



## بررسی مبانی دیپلماسی اقتصادی از منظر حقوق

بین الملل

مؤلف: محمدحسن شیخیانی

ناشر: سیمای قلم

تاریخ نشر: ۱۳۹۹

تعداد صفحه: ۴۲۲

این کتاب، با در نظر گرفتن منابع وسیع لاتین و فارسی، پایگاه‌های اطلاعات علمی و پژوهشی داخلی و بین‌المللی و مقالات موجود در حوزه بررسی

مبانی دیپلماسی اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل گردآوری شده و به اعتقاد نویسنده حاصل سال‌ها مطالعه، کار پژوهشی، شرکت در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های علمی است.

حقوق بین‌الملل با هدف تعیین منافع و فصل مشترک‌های همه‌گیر جهانی سازمان‌های بین‌المللی را در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و ... ایجاد می‌نماید تا بستر مشترک تبادل اهداف و مطالبات بین‌المللی فراهم گردد و دولت‌ها و ملت‌ها در فضایی مشترک به تعامل بپردازند. در واقع توسعه مطلوب بین‌المللی در چارچوب و قالب سازمان‌های مشترک المنافع بین‌المللی با ابزار و ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل محقق می‌شود. این ساختار حقیقی توسعه مطلوب در نظام بین‌المللی است؛ اما این آرمان تا تحقق واقعی شدن، راهی طولانی پیش رو دارد؛ مسیری که در نظام بین‌الملل ایجاد و تعیین شده، اما مقصد و پایان آن تاکنون مشخص نشده است و افراد حقیقی و حقوقی آن به سرمنزل مقصود نرسیده‌اند.

بنابراین از آنجایی که جامعه بین‌المللی میراث مشترک بشری محسوب می‌شود، پس توسعه‌ای پایدار مدنظر است که تأمین‌کننده نیاز نسل فعلی و تضمین‌کننده تأمین نیاز نسل آینده است. توسعه اقتصادی پایدار با مدیریت مشترک اقتصادی همه کشورها بر اساس اصل برابری و برادری در جامعه بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود. مدیریت مشترکی که در قالب و چارچوب سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی اقتصادی در جهان، ماهیت عینی و خارجی به خود گرفته است. حقوق بین‌الملل با تنظیم روابط و تعاملات قانونی و اجرایی این سازمان‌ها، مدیریت مشترک جهانی بالقوه را بالفعل می‌نماید و توسعه اقتصادی واقعی و پایدار را ایجاد می‌کند. توسعه سیاسی نیز با مدیریت مشترک جامعه سیاسی در نظام بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود. در هر دو حوزه سیاسی و اقتصادی چون نظام‌ها و حاکمیت‌ها متفاوت است، در نهایت ساختارها و اهداف نیز متفاوت و در پاره‌ای موارد متناقض و در تضاد هستند.



## رویکردشناسی کاربرد عرف در نظام حقوقی ایران مبتنی بر مبانی حقوق اسلامی: (در مقام

تقنین، تفسیر، تطبیق، ادله

اثبات دعوا و رویه قضایی)

مؤلف: محمدامین کیخاکی

فرزانه، احسان آهنگری

ناشر: خرسندی

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸

تعداد صفحه: ۱۸۰

در حیطه حقوق موضوعه، ارجاع به عرف اصولاً در حیطه

حقوق عمومی است و حقوق خصوصی متفاوت است، زیرا در حقوق عمومی اصل بر حاکمیتی بودن قواعد و در حقوق خصوصی اصل بر تطبیقی بودن قواعد است؛ اما در حقوق قضایی یعنی اجرای قواعد حقوقی موضوعه، عرف می‌تواند به‌عنوان تطبیق‌دهنده قواعد بر مصادیق خارجی نقش‌آفرینی نماید و به‌عنوان یکی از موجهات ادله اثبات در نظر گرفته شود.

نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند جایگاه و تأثیر عرف در نظام حقوقی ایران را با اشاره به نقش آن در نظام حقوقی اسلام و حقوق تطبیقی تبیین کند؛ بنابراین در ابتدا با ذکر مفاهیم عرف در لسان فقهای امامیه، عامه و همچنین تعاریف اصطلاحی آن به تأثیر آن در فقه و حقوق می‌پردازد. با توجه به اهمیت رویه قضایی و ادله اثبات دعوا به ارتباط عرف با این دو موضوع نیز پرداخته خواهد شد.

این کتاب در قالب مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی سعی دارد نقش عرف را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تحلیل و تبیین کند.

بخش نخست این کتاب با عنوان «کلیات» ابتدا مفاهیم عرف و عادت را از نگاه‌های مختلف بررسی می‌کند و در ادامه به اقسام عرف پرداخته شده است و در قسمت انتهایی بخش به تبارشناسی مفهوم عرف و عادت در فقه و حقوق اسلامی اختصاص دارد. بخش دوم کتاب با عنوان «نسبت‌سنجی عرف و عادت با مفاهیم مشابه» ابتدا به رابطه عرف و سیره عقلا می‌پردازد. در ادامه بخش رابطه بین عرف و حکم عقل و در قسمت انتهایی بخش دوم عرف و سیره متشرعه را بررسی می‌کند.

بخش سوم این کتاب به تبیین عرف در مقام وضع، تفسیر، تطبیق، ادله اثبات دعوا و رویه قضایی اختصاص دارد. در ابتدای بخش به نقش عرف در ایجاد قواعد حقوقی در حقوق محض و حل شبهات حکمی و در ادامه به حاکمیت عرف در حیطه قواعد تکمیلی پرداخته شده است. قسمت سوم این بخش با عنوان «عرف مفسر» به موضوع عرف در قالب حل شبهات مفهومی و بخش چهارم به جایگاه عرف در مقام تطبیق و حل شبهات مصداقیه می‌پردازد، در بخش پنجم این کتاب نقش عرف در نظام ادله اثبات دعوا بررسی و در بخش انتهایی این بخش کتاب به موضوع رویه قضایی به مثابه عرف قضایی پرداخته شده است.